

دریابستگی تخصص در ادبیات و مسائل مختلف مربوط، راه کار نیل بدان چنین جمع بندی می شود: گرایشهای تخصصی باید در دوره کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات پارسی مورد توجه قرار بگیرد اما این اقدام زمانی برآیند علمی مطلوب را خواهد داشت که پیش زمینه و بنیادهای اولیه آن از قبل فراهم آمده باشد. به عبارت دیگر در دوره کارشناسی ادبیات که بیشتر جنبه آشنایی عمومی با آثار و فنون ادبی را دارد از همان آغاز سال نخست، دانشجویان باید به یاری استادان بر اهمیت موضوع تخصص واقف شوند و با روی کرد به تناسب روحی و ذهنی و علایق درونی و تواناییهای خویش، مطالعه و بررسی گرایشی را هر چند به صورت مقدماتی و سطحی آغاز کنند و همراه با مطالعات و آشناییهای کلی لازم، بنیانهای فعالیت تخصصی خود را استوارتر کنند تا در مراحل بالاتر به جهت دهی اصولی و علمی اندوخته های پیشین، راه توان سوز و زمان بر تخصص در یک اثر یا فن را با آمادگی و شناخت بهتر ببینند و این گونه نباشد که دانش پژوه ادبی بی هیچ آگاهی و مطالعه و فعالیت تحقیقی در پایان دوره سه یا چهار ساله کارشناسی در سر آغاز راه کار گرایشی واقع شود. این پیشنهاد در حیطه تحقیق و تعلیم دانشگاهی و شرط تحقق آن برنامه ریزی خاص نظام آموزشی برای تقسیم تخصصها و تأمین حقوق کافی فارغ التحصیلان متخصص است. پژوهشگران و علاقه مندان آزاد و خارج از محیط تعلیمات دانشگاهی نیز خود می توانند با تنظیم برنامه های مناسب مطالعاتی و پژوهشی ضمن تحصیل آشنایی کلی و عمومی لازم با دانشها و آثار ادبی به وادی (تخصص) گام نهند و دوشادوش استادان و دانشجویان با تألیفات و نقدها و مباحث تخصصی، سبب اعتلای بیشتر فرهنگ و ادب ایران زمین شوند. چکیده گفتار این که: اگر برنامه ریزی نظام آموزشی ما به گونه ای باشد که برای بیست یا سی سال آینده، متخصصانی در هر یک از علوم و آثار و موضوعات زبان

و ادب پارسی پرورده شود به موفقیت علمی بسیار بزرگ و سودمندی دست خواهیم یافت. به هر حال، مطالبی که در این مختصر بیان شد واقعیت مهمی بود به مصداق: «بگوی آن چه دانی که حق گفته به» و به هیچ روی بی توجهی به کوششهای شایسته سیاس و مفید هیچ یک از استادان و محققان پهنه فرهنگ و ادب ایران نیست که هر کلمه و سطر از تحقیق و تدریس آنها، بار و برگ دفتر ادب پارسی را افزون تر کرده و بر پرمایگی آن افزوده است و جمله دانشجویان و علاقه مندان و بسیاری از استادان و امدار آنها هستند، بر همین بنیاد اگر عرایض ناچیز نگارنده در پیشگاه آن بزرگان، گستاخی و بی ادبی شمرده شود - که چنین مباد - پیشاپیش از جسارت خویش پوزش می خواهم و یقین دارم که: **الْعَدْرُ عِنْدَ كِرَامِ الْاِنْسِ مَقْبُولٌ.**

#### یادداشتها:

- (۱) قابوس نامه، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم ۱۳۷۵، ص ۳۹.
- (۲) نصرتی، عبدالله: که این شیوه ختم است بر دیگران، ادبستان، شماره ۵۶، مرداد ۱۳۳۳، ص ۵۱.
- (۳) گرشاسب نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، کتابفروشی بروخیم ۱۳۱۷، ص ۱۱، بیت ۱.
- (۴) حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم ۱۳۲۴، ص ۱۱۴، بیت ۹.
- (۵) A. D. H. BIVAR, "A Persian Fairy land" Acta Iranica 24, Papers in Honour of Professor Mary Boyce, Leiden 1985, PP 25-42.
- (۶) سبحانی، جعفر: رمز پیروزی مردان بزرگ، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم ۱۳۶۸، ص ۵۳.
- (۷) شاهنامه فردوسی، شاهکار سخنوری و سخنرانی، مقالات ادبی، انتشارات هما ۱۳۶۹، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.
- (۸) آشنایی و اکنون شناخت در زمینه زبان شناسی همگانی، مقالات ادبی - زبان شناختی، انتشارات نیلوفر ۱۳۷۰، ص ۳۲۴-۳۲۶.
- (۹) و (۱۰) کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، شماره ۲۹ و ۳۰، اسفند ۷۸ و فروردین ۷۹، ص ۶۱.

## آتشی و شعر نو

بررسی جریان موج نو در شعر معاصر با سخنرانی منوچهر آتشی به همت گانوان ادبی دانشگاه تهران روز ۱۶ آبان ماه در دانشکده علوم این دانشگاه برگزار شد.

آتشی در ابتدا به صورت های مکتوب از سرایش های آیینی و کهن ترین سروده های شاعرانه به جا مانده در کتب مذهبی و دیگر کتب اشاره ای کوتاه کرد و گفت: تمامی سروده ها و شعرگونه ها مبتنی بر شناخت ابتدایی مجهول بزرگ، ستایش از او، حفظ و حراست گوهر حیات بوده است و این خصیله است که به هرگونه شعری در هر زمان دیگری به میراث رسیده است.

وی تأکید کرد که در اشاره به نوگرایی باید به چند عرصه توجه داشته باشیم و گفت: جامعه بر زبان هنری و کنش هنری اثر می گذارد و اثر هنری هم بر جامعه، و این تأثیر و تأثر مدام تکرار می شود.

آتشی افزود: هنر راستین متوجه آزادی ذهن، زبان و جان آدمی است و لحظه سرایش، لحظه آزادی مطلق ذهن و جان هنرمند است. وی مهمترین عرصه بالندگی را بعد از زندگی، زبان معرفی کرد و تمامی زبانها را موضوع هنر و تمامی هنرها را موضوع زبان دانست و گفت: هنر به عنوان پدیده ای از ذهن و زبان انسان در بطن جامعه، حرکت می کند و بیرون از آن نیست و هنر بزرگ در همان حال تن به هجوم مفاهیم پیهوده نمی دهد تا نو و ماندگار باشد.

منوچهر آتشی سپس به عرصه فلسفه به عنوان زیرساخت بسیاری از تفکرات جدید اجتماعی و ادبی پرداخت.

وی در پایان سخنانش چند اثر تازه سروده شده خود را برای حاضران در جلسه قرائت کرد.

گفتنی است جلسه پرسش و پاسخی نیز بعد از سخنان آتشی برگزار بود. آتشی در پاسخ به سؤالی که از او و سبک شعری اش پرسیده شده بود گفت: افتخارم این است که خودم را شاعر خلف نیما می دانم و در عین حال که بسیار متأثر از گذشته ها و کودکی خودم و معلم های بومی خودم مثل فایز دشتستانی هستم به همان نسبت سعی کردم در شناخت راهی که نیما را از دره های یوش به قلعه ها رساند، دور نماتده باشم و در عرصه شعر مطالعه کرده باشم و فکر می کنم از نظر خودم، شیوه درست راه رفتن و درست متحول شدن و درست دیگرگونه سرودن را با تجربیات پنجاه ساله، آموخته باشم.